



فرهنگ لغت خودمانی

سید رضا باقریان موحد

به کوشش ۱ معلم و ۵۰۰ دانش آموز



فلاحیت در سیمان

برج میلاد

چهار سیمانی

یک پایتخت

آینه عبرت

پدر
انرژی بیشتر منجی
مادر سپیلو

مطالب قبولش

شراب مست کننده

آب

اولین آینه بشیر

بزرگترین ارزان

تا به روز مدرسه

اصلاح طلب اصول گر

کوششگر

اولین شاکلی که پدر

اولین کلمه

آدم

اولین کلمه که عاشق کلمه شد

دروغ عاشقانه

توهم بعد از سرمستی

قبلا قلمرو گوشت؛ الان مستعمره نفوذ

آنگوشت

آبش ماند؛ گوشتش رفت

پدر نخستین قاتل و مقتول

اولین اولی که در کتاب کینس ثبت نشده

مفرد بیگانه

طفولیت کبیر پیری بانگ پوکی

پروپوکی و کم هوصلگی

تسبیح

ریاکاری متفکر

اتصال طلایی

پروپرواز

بافتنی شنیدنی

هش

بافتنی جذاب

تازه ریش کم تجربه

جاهلیت جوانی

ایستگاه عاشقی

چای

نویسنده ملی

مواد مفرد چهار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان و نام پدیدآور: نگارش خلاق (۱): فرهنگ لغت خودمانی / به کوشش ۱ معلم و ۵۰۰ دانش آموز
سیدرضا باقریان موحد
مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص
شابک جلد ۱: ۸-۰۳-۷۲۶۰-۰۶۲۲-۹۷۸
شابک دوره: ۱-۰۲-۷۲۶۰-۰۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
عنوان دیگر: فرهنگ لغت خودمانی
موضوع: شاگردان - ایران - قم (استان) - آثار و نوشته‌های فارسی
موضوع: School prose, Persian - Iran - Qom (Province)
موضوع: فارسی - واژه‌نامه‌ها
موضوع: Persian language - Dictionaries
شناسه افزوده: باقریان موحد، سید رضا، ۱۳۵۳ -، گردآورنده
رده‌بندی کنگره: PIR ۴۰۰۷
رده‌بندی دیوبی: ۸۹۱۲۸ / ۸۴۰
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۶۷۸۹۶

© همه حقوق این اثر محفوظ است.

هرگونه تکثیر، انتشار، اقتباس و تلخیص یا ترجمه همه یا بخشی از این کتاب به هر صورت (چاپ، کیس، صوت، تصویر، انتشار در فضای مجازی) بدون اجازه کتبی ناشر و نویسنده ممنوع است و به موجب «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» پیگرد قانونی دارد. نقل مطلب از این کتاب در حد متعارف و با ذکر منبع مجاز است.



نگارش خلاق (۱)
فرهنگ لغت خودمانی

به کوشش
۱ معلم و ۵۰۰ دانش آموز

سید رضا باقریان موحد



نگارش خلاق (۱) فرهنگ لغت خودمانی

به کوشش
۱ معلم و ۵۰۰ دانش آموز

سید رضا باقریان موحد

ناشر: کتاب طه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

شابک جلد ۱: ۸-۰۳-۷۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸

شابک دوره: ۱-۰۲-۷۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸

شمارگان: ۷۰۰

مدیر تولید: محمد تنها

صفحه آرایی: زهراسادات موسوی فر

اجرای جلد: معصومه کرم پور

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

قم: بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه

دفتر انتشارات ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴ ۶۲۴

دورنویس ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳ ۶۲۴

فروشگاه مرکزی (کتابسرای طه) ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸ ۳۲۶

📞 tahabooks

📷 ketabtaha

🌐 www.ketabtaha.com

✉ ketabtaha@gmail.com

فهرست

آفتاب.....	۴۸	مقدمه.....	۱۱
آینه.....	۴۹	کاربردهای فرهنگ لغت خودمانی...۱۹	
ابر.....	۵۰	هنردرست نگاه کردن.....۱۹	
اتاق.....	۵۱	چشیدن لذت نویسندگی.....۲۰	
اتوبوس.....	۵۱	آشنایی با گنجینه لغتنامه‌های فارسی...۲۱	
اشک.....	۵۱	پردازش اطلاعات ادبی و علمی...۲۲	
اعتیاد.....	۵۲	عنوان‌گذاری‌های هنرمندانه برای متن...۲۳	
اصفهان.....	۵۳	تمرین خودشناسی، طبیعت‌شناسی، خداشناسی.....۲۴	
الاغ.....	۵۳	برگزیده چند کتاب.....۲۷	
الکتریسته.....	۵۴	فرهنگ توفیق.....۲۷	
اکسیژن.....	۵۴	فرهنگ شیطان.....۲۹	
امروز.....	۵۵	سکانس کلمات.....۳۳	
انار.....	۵۵	فرهنگ لغت خودمانی.....۳۷	
انسان.....	۵۶	آب.....۳۷	
انگشت کوچک.....	۵۹	آبشار.....۳۸	
باکتری.....	۶۰	آبگوشت.....۳۸	
بخاری.....	۶۰	آجیل.....۳۹	
برادر.....	۶۰	آدامس.....۳۹	
برج میلاد.....	۶۱	آدم.....۴۰	
برگ.....	۶۲	آرایشگر.....۴۲	
برنج.....	۶۲	آرزو.....۴۵	
بُر.....	۶۵	آش.....۴۶	
بُغض.....	۶۵	آشتی.....۴۸	
بند کفش.....	۶۵		
بنزین.....	۶۶		
پا.....	۶۷		

۹۸	خوزستان	۶۷	پارک
۹۹	خیار	۶۷	پدر
۹۹	دایره	۷۰	پرگار
۱۰۰	دروغ	۷۱	پروانه
۱۰۰	درس ادبیات فارسی	۷۱	پفک
۱۰۱	درس تاریخ	۷۲	پنکه
۱۰۱	درس ریاضی	۷۲	پنیر
۱۰۳	درس علوم / زیست	۷۳	پیتزا
۱۰۳	درس فلسفه	۷۴	پیراهن
۱۰۴	درس فیزیک	۷۴	پیاز
۱۰۴	دست	۷۵	پیری
۱۰۵	دعا	۷۵	تابوت
۱۰۶	دل	۷۶	تبریز
۱۰۷	دماغ	۷۶	تخمه
۱۰۷	دنیا	۷۷	تسبیح
۱۰۸	دیروز	۷۹	تقلب
۱۰۸	رادیو	۷۹	تلفن همراه
۱۰۹	راننده تاکسی	۸۰	تلویزیون
۱۱۴	رفتگر	۸۳	توپ فوتبال
۱۱۷	زبان	۸۳	تهران
۱۱۹	زلزله	۸۵	ته دیگ
۱۱۹	زندان	۸۶	جالبازی
۱۲۰	زندگی	۸۷	جبرئیل
۱۲۰	زیرپوش	۸۷	جلسه امتحان
۱۲۱	ساعت	۸۷	جوانی
۱۲۲	ساوه	۸۸	جوراب
۱۲۲	سطل آشغال	۸۸	چای
۱۲۳	سفر	۹۱	چمن
۱۲۳	سکوت	۹۲	چیپس
۱۲۳	سلام	۹۲	حیاب
۱۲۴	سماور	۹۲	خرما
۱۲۴	سیب	۹۳	خساست
۱۲۵	سیب زمینی	۹۴	خشم
۱۲۵	سیر	۹۴	خواب
۱۲۶	سیستان	۹۵	خواهر
۱۲۶	شایعه	۹۵	خورشید

کامپیوتر.....	۱۴۸	شُبّه.....	۱۲۶
کبریت.....	۱۴۸	شعر.....	۱۲۷
کبوتر.....	۱۴۹	شکر.....	۱۲۸
کُت.....	۱۴۹	شلغم.....	۱۲۸
کتاب.....	۱۴۹	شیراز.....	۱۲۹
کرم.....	۱۵۲	شیشه.....	۱۲۹
کرمان.....	۱۵۲	شیطان.....	۱۳۰
کرونا.....	۱۵۲	صبر.....	۱۳۱
کفش.....	۱۵۳	صدقه.....	۱۳۲
کفن.....	۱۵۶	صلوات.....	۱۳۲
کلاه.....	۱۵۷	صندلی.....	۱۳۳
کَلَم.....	۱۵۸	ضریح.....	۱۳۴
کودکی.....	۱۵۸	عزرائیل.....	۱۳۵
کولر.....	۱۵۸	عشق.....	۱۳۵
کوه.....	۱۶۰	عقاب.....	۱۳۶
کوپر.....	۱۶۱	عقل.....	۱۳۷
گلایی.....	۱۶۱	عمو.....	۱۳۷
گل محمدی.....	۱۶۱	عینک.....	۱۳۷
گوسفند.....	۱۶۲	غرور.....	۱۳۸
گوش.....	۱۶۳	غم و غصه.....	۱۳۹
گیلاس.....	۱۶۴	غیبت.....	۱۳۹
گیلان.....	۱۶۴	فرشته.....	۱۴۰
لب.....	۱۶۵	فلافل.....	۱۴۰
لحاجت.....	۱۶۵	قابلمه.....	۱۴۰
لیوان.....	۱۶۵	قاشق.....	۱۴۱
مادر.....	۱۶۶	قالی.....	۱۴۲
مازندران.....	۱۶۷	قبر.....	۱۴۳
ماست.....	۱۶۷	قصه.....	۱۴۳
مثلث.....	۱۶۸	قفسه کتاب.....	۱۴۴
مدیر مدرسه.....	۱۶۸	قم.....	۱۴۴
مربع.....	۱۶۹	قوری.....	۱۴۶
مرگ.....	۱۶۹	قیچی.....	۱۴۶
مُزه.....	۱۷۰	قیمه.....	۱۴۶
مشهد.....	۱۷۱	کابشن.....	۱۴۷
معاون مدرسه.....	۱۷۱	کاج.....	۱۴۷
معدّه.....	۱۷۲	کاشان.....	۱۴۸

۲۰۵.....چای	۱۷۳.....مغز
۲۰۶.....چاقو	۱۷۴.....مگس
۲۰۶.....چرخ گوشت	۱۷۴.....موی سر
۲۰۶.....چنگال	۱۷۵.....میخ
۲۰۶.....رنده	۱۷۵.....میکروب
۲۰۶.....ژله	۱۷۵.....ناخن
۲۰۷.....زندگی	۱۷۶.....ناخنگیر
۲۰۹.....سطل زباله	۱۷۶.....نان
۲۰۹.....سماور	۱۷۷.....نانوا
۲۱۰.....شعر	۱۸۱.....نخاع
۲۱۰.....ظرفشویی	۱۸۱.....نردبان
۲۱۰.....عزرائیل	۱۸۲.....نصیحت
۲۱۱.....عسل	۱۸۲.....نفت
۲۱۱.....عشق	۱۸۶.....نمک
۲۱۴.....عقل	۱۸۸.....وجدان
۲۱۴.....فلفل	۱۹۱.....وصیتنامه
۲۱۴.....قابلمه	۱۹۲.....ویروس
۲۱۵.....قاشق	۱۹۲.....ویلچر
۲۱۵.....قبر	۱۹۳.....هندوانه
۲۱۷.....قصه	۱۹۳.....هوا
۲۱۷.....قم	۱۹۴.....یخچال
۲۱۸.....کابینت	۱۹۵.....مدارس دخترانه
۲۱۸.....کبریت	۱۹۷.....آب
۲۱۸.....کتری	۱۹۸.....آبکش
۲۱۸.....کودکی	۱۹۸.....آبگوشت
۲۱۹.....گوشت کوب	۱۹۹.....آبمیوه گیری
۲۱۹.....لیوان	۱۹۹.....آدم
۲۱۹.....ماشین لباسشویی	۲۰۰.....اجاق گاز
۲۱۹.....ماهیتابه	۲۰۰.....انار
۲۱۹.....مرگ	۲۰۰.....پدر
۲۲۲.....میز غذاخوری	۲۰۱.....پیری
۲۲۲.....نمکدان	۲۰۲.....تابوت
۲۲۲.....یخچال	۲۰۲.....تسبیح
	۲۰۳.....تیمارستان
	۲۰۳.....جبرئیل
	۲۰۵.....جوانی

۷ قانون طلایی نگارش خلاق

۱. خدای مهربان، نعمتِ تخیل و خلاقیت را به همه ما هدیه کرده است، اما ما وجود این انرژی مثبت را باور نداریم و به سادگی از کنار آن می‌گذریم؛ گنجینه در بسته تخیل را از حضرت حق تحویل می‌گیریم و دست‌نخورده و مُهر و موم شده به حضرت عزرائیل تحویل می‌دهیم.

۲. تخیل و خلاقیت، رقیب یا جایگزین عقل و علم و دین نیست؛ همکار و مُکمل آنهاست؛ هر موضوع علمی یا مذهبی که با بهره گیری از تخیل و خلاقیت بیان شود، اثرگذارتر و ماندگارتر خواهد بود. مقام و شأن و کاربرد هر کدام از این نعمت‌های خدایی، معلوم و مشخص است.

۳. برای سنجش عقل و هوش و حافظه و... ابزارهای زیادی وجود دارد که همگی نشان‌دهنده این واقعیت هستند که انسان‌ها مثل هم نیستند و تفاوت ضریب هوش آنها از زمین تا آسمان است؛ اما به این آسانی نمی‌توان گفت که میزان تخیل یا خلاقیت فلانی کم یا زیاد است. مطمئن باشید که نمره تخیل و خلاقیت همه ما ۲۰ است.

۴. ذهن و حافظه ما انبار بزرگ اطلاعات گوناگون علمی، دینی، ادبی، اجتماعی و... است؛ تخیل و خلاقیت، بهترین راه تبدیل گردآوری اطلاعات به پردازش اطلاعات است. انبارداری نه افتخار است و نه لذت بخش؛ بیایید از فرایند پردازش و کاربردی کردن اطلاعات لذت ببریم.

۵. تخیل و خلاقیت، ربطی به سن و سال و میزان تحصیلات و خانواده و شهر و... ندارد؛ همه از این نعمت بزرگ بهره‌مند هستیم؛ مثلاً نویسندگان این مجموعه، ۵۰۰ نوجوان و جوان ۱۲ ساله تا ۲۵ ساله هستند که نمی‌توان به سادگی و از روی شواهد و قرائن جمله به سن و سال و میزان تحصیلاتشان پی برد.

۶. رسیدن به این موفقیت‌های ادبی و علمی، جای شادی و شکرگزاری دارد، اما از اینها مهم‌تر، رسیدن به اهداف اخلاقی و انسانی است که به طور نامحسوس و هنرمندانه اتفاق می‌افتد؛ می‌توان در قالب تمرین‌های نگارش خلاق به طور غیرمستقیم هنرمندانه به نشر ارزش‌های انسانی و اخلاقی پرداخت و این گونه به نهادهای این آرمان‌های بشری در قلب‌ها اقدام نمود.

۷. اگر کسی در قالب این تمرین‌های ادبی، تخیل و خلاقیت خود را شکوفا کند و پرورش دهد در آینده شغلی خود (مهندسی، پزشکی و...) می‌تواند موفق‌تر از دیگر همکارانش عمل می‌کند؛ پرنده خیال زودتر از دست و دندان عقل، گره مشکلات را باز می‌کند. بنابراین با اعتماد به نفس بالا، دروازه بهشت تخیلتان را باز کنید و از درخت خلاقیتان، میوه‌ها بچینید و از نوشتن لذت ببرید و بدانید که با نگارش می‌توان نگرش را تغییر داد.

مقدمه

فرهنگ لغت خودمانی، یکی از راه‌های کشف خلاقیت و ارتباط برقرار کردن بین دانش (گردآوری اطلاعات) و بینش (پردازش اطلاعات) است؛ دانش‌آموزان برای لغت یا مفهوم مورد نظر، معنا و ترکیب تولیدی خود را در قالب یک ترکیب ادبی ارائه می‌کنند. آنها ذوق ادبی و اطلاعات علمی خود را با هم تلفیق کرده، ترکیب‌های ادبی جالب و جدید می‌سازند و شور و نشاط خاصی را در کلاس نگارش تجربه می‌کنند.

متأسفانه نظام تعلیم و تربیت براساس گردآوری و انبارداری اطلاعات است نه نقد و پردازش اطلاعات؛ معلمان نیز چون در همین نظام آموزشی، درس خوانده‌اند، انبارداران اطلاعات هستند، نه پردازشگران اطلاعات؛ حال از این انباردار اطلاعات که یکبار سعی نکرده پای خود را از این قلمرو تنگ و تاریک بیرون بگذارد و لذت نقد و پردازش اطلاعات را بچشد، توقع دارند که دانش‌آموزان خلاق و منتقد و پردازشگر بیروند. یاللعجب!!

مراحل اجرای این مهارت ادبی به این شرح است: ابتدا به دانش‌آموزان می‌گوییم که: اندیشمندان و لغت‌شناسان بزرگ برای هر واژه، معنایی نوشته‌اند و در کتاب فرهنگ لغت ثبت کرده‌اند؛ شاعران و ادیبان هم براساس این زیرساخت علمی، دایره معنایی لغات را گسترش داده و معانی جدیدی را با کمک آرایه‌های ادبی همچون استعاره و کنایه به فرهنگ لغات افزوده‌اند؛ هر اثر ادبی را می‌توان

یک فرهنگ لغت جدید و شرح اصطلاحات نودانست که محصول فکر و زبان آن نویسنده است؛ شاعران بزرگی همچون فردوسی، نظامی، خاقانی و مولوی توانسته‌اند علاوه بر تولید فکر و اندیشه جدید در قلمرو فکر و فرهنگ به نهضت فرهنگ لغت نویسی هم خدمت کنند.

لغتنامه دهخدا، نمونه عالی فرهنگ لغت در زبان فارسی است که محصول ده‌ها سال، رنج و سرمستی مرحوم دهخدا و دانشجویانش است؛ در این لغتنامه، هزاران واژه فارسی و عربی معنی شده است؛ لغتنامه، خشت اول و زیرساخت نویسندگی است که بر اساس این خشت محکم، هزاران «کاخ کتاب» به ثریا رسیده است.

دانش‌آموزان عزیز، ما هم می‌توانیم فرهنگ لغت مخصوص به خودمان داشته باشیم؛ یعنی همان واژه‌هایی را که کارشناسان و لغت‌شناسان بر اساس علم و دانش در کتب لغت معنا کرده‌اند، ما دوباره بر اساس ذوق و نظر خودمان معنا کنیم؛ ما هم می‌توانیم «دهخدای قلمرو فکر و تخیل» خود باشیم؛ ما هم صاحب ذوق و اندیشه هستیم و می‌توانیم دنیا را با نگاه و ادبیات خاص خود تعریف کنیم؛ برای این که به شان و مقام لغت‌شناسان خدشه وارد نکنیم، این هنرنمایی ادبی خود را «فرهنگ لغت خودمانی» می‌نامیم.

در ادامه به خواندن چند نمونه از آثار نویسندگانی که در این وادی قلم‌فرسایی کرده‌اند (عبید زاکانی و سید حسن حسینی) می‌پردازم و ذهن و زبان‌ها را برای خلق شاهکارهای هنری و ادبی در حد و اندازه خودشان آماده می‌کنم؛ بعد واژه‌های مورد نظر را روی تابلو می‌نویسم و زنگ شروع این مسابقه نفسگیر را به صدا درمی‌آورم؛ در حدود ده دقیقه، سکوت و تأمل همه جا را فرا می‌گیرد و بعد نخستین جرقه‌های ادبی مشاهده می‌شود؛ من نیز نتیجه تخیلات خود را بی هیچ واهمه‌ای برایشان می‌خوانم و خود را معرض طوفان نقد و نظرشان قرار می‌دهم و تازیانه انتقادشان را به جان می‌خرم و اجازه می‌دهم گهگاه به محصولات ادبی من بخندند.

انجام این تمرین ادبی، اعتماد به نفس زیادی به دانش‌آموزان می‌دهد و قوه پر قدرت خیال‌پردازی‌شان را به سمت و سوی پردازش و کاربردی کردن اطلاعات هدایت می‌کند. آنها از این که می‌توانند در حد بضاعت اندک خود، محصول

ادبی کوچکی را تولید کنند و آن را با افتخار برای دیگر دوستانشان بخوانند و از نقد و نظر دیگران بهره ببرند، لذت می‌برند.

خواندن این فرهنگ لغت برای کسانی جالب و قابل تأمل است که اولاً به معجزه ادبیات و هنر ایمان دارند و ثانیاً به ذوق و خلاقیت نوجوانان احترام می‌گذارند و همیشه در جستجوی درک تازه از جان و جهان هستند.

برنامه‌ریزان نظام تعلیم و تربیت به خصوص مدیران ارشد دانشگاه فرهنگیان با خواندن این کتاب می‌توانند با ابعاد پنهان شخصیت دانشجویان و دانش‌آموزان آشنا شوند و بهتر از قبل برای اعتلای مقام تعلیم و تعلم برنامه‌ریزی کنند.

بنابراین به دوستانی که به نظرات و جملات دانش‌آموزان به دیده تمسخر می‌نگرند و خود را دانای کل می‌پندارند و نگاهشان به همه چیز و همه کس، نگاه عاقل اندر سفیه است، توصیه می‌کنم که همین الان دست از خواندن این کتاب بردارند؛ زیرا با دنیایی از دیدگاه‌های جدید و بدعت‌های پرچالش و عبور از خط قرمزهای ادبی بسیار مواجه می‌شوند.

تجزیه و تحلیل این دیدگاه‌ها از منظر جامعه‌شناسی، روانشناسی و زبان‌شناسی، همت پژوهشگرانی را می‌طلبد که به استعدادهای نهفته این نسل بیش‌فعال، ایمان دارند. البته شرایط سیاسی و اجتماعی فعلی کشور در تولید این ترکیبات ادبی، تأثیر زیادی داشته است. متأسفانه یا خوشبختانه، رد پای سیاست و اقتصاد در تمامی متون به طور محسوس و نامحسوس دیده می‌شود.

مجموعه حاضر، خلاصه دیدگاه‌های نوجوانان و جوانان این سرزمین (از دانش‌آموز ۱۳ ساله کلاس هفتم تا دانشجوی ۲۵ ساله دانشگاه فرهنگیان قم) درباره دنیا و مافیها است؛ چه خوب چه بد؛ چه قوی چه ضعیف؛ نوجوانان ما این‌گونه می‌اندیشند؛ کار عاقلانه این است که آنها را خوب بشناسیم و دیدگاه‌هایشان را بشنویم، بعد برای‌شان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنیم؛ این بنده خدا، فقط راهنما و مشوق آنها بوده است؛ همین و بس.

افتخار می‌کنم که توانسته‌ام شکوفه ذوق و خلاقیت آنها با کمک خودشان شکوفا کنم؛ به احترام خلاقیتشان بایستم و دست بزنم و تشویق کنم و از زنده بودن و درس دادن به این آتشفشان‌های خلاقیت لذت ببرم.

نویسندگان این فرهنگ لغت در حدود ۵۰۰ دانشجو و دانش آموز قمی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ ش. هستند؛ از آنجا که قم، شهری مهاجرپذیر و غریب‌پسند است و در مدارسش رنگین‌کمانی از اقوام و لهجه‌ها و فرهنگ‌ها از شمال تا جنوب ایران به همراه مهاجرانی از کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق در کنار هم درس می‌خوانند، بنابراین در این کتاب تنوع دیدگاه‌ها بسیار زیاد است.

این واژه‌های نوساخته و ترکیب‌های هنری که در این کتاب، آرام و خاموش در کنار هم نشسته‌اند، محصول ساعت‌ها هیاهو و چالش و جنجال و خنده و گریهٔ صدها نوجوان است که از اولین روز مهر به همراه طرح مباحث سیاسی، مذهبی و علمی بسیار در کلاس درس نگارش فراهم آمده است؛ در حدود پنجاه هزار ترکیب ساخته شده در کلاس‌های نگارش به دقت مطالعه و در حدود ده درصد آنها (پنج هزار ترکیب) پذیرفته شده و از بونه نقد و ارزیابی دانش‌آموزان سربلند بیرون آمده است.

اطلاعات علمی (فیزیک، شیمی، تاریخ و...) و دانش ادبی (تشبیه، کنایه، استعاره و...) و ذوق و خلاقیت ۵۰۰ نوجوان و جوان قمی دست به دست هم داده و این فرهنگ لغت را به وجود آورده است:

۱۰۰ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان (پردیس آیت الله طالقانی)

۳۰۰ دانش آموز دبیرستان امام صادق (حکیم نظامی سابق)

۵۰ دانش آموز دبیرستان فرهنگ (دبیرستان خاص علوم انسانی)

۵۰ دانش آموز دبیرستان افق روشن (متوسطهٔ دورهٔ اول)

۴۰ دانش آموز دبیرستان مفید (متوسطهٔ دورهٔ اول)

۵۰ دانش آموز دبیرستان دکتر خرمی (استعدادهای درخشان متوسطهٔ دورهٔ اول)

۴۰ دانشجوی غیرایرانی موسسه زبان و فرهنگ شناسی (وابسته به جامعه المصطفی)

ابتدا می‌خواستیم جلوی نام صاحبان جملات، نام مدرسه‌شان را بیاوریم، اما به دو دلیل از این کار منصرف شدیم:

۱. نام مدارس می‌بایست در حدود پنج هزار بار تکرار می‌شد که همین تکرار، صفحه‌آرایی کتاب را نازیبا می‌کرد.

۲. وقتی پرینت اولیه کتاب را برای ده نفر از دوستان فرستادم تا بخوانند و کارشناسی کنند، متوجه مطلب مهم و غیرقابل باوری شدم؛ در ارزیابی اولیه کارشناسان، در حدود ۲۰۰ ترکیب، ترکیب‌های ساده و غیرهنری و یا کلیشه‌ای تشخیص داده شدند که می‌بایست از کتاب حذف می‌شدند؛ فکر می‌کردم که بیشترین ترکیب‌های ساده و کلیشه‌ای مربوط به دانش‌آموزان سال هفتم و هشتم است، اما در نهایت تعجب دیدم که این حذفیات، بیشتر ساخته دانش‌آموزان سال دوازدهم دبیرستان و تعدادی هم از دانشجویان است.

بنابراین تصمیم گرفتم که فقط به ذکر نام آفرینندگان این ترکیب‌های زیبا اکتفا کنم و سن و سال و نام مدرسه‌شان را نیاورم؛ بعید می‌دانم کسی بتواند بر اساس حدس و گمان و یا اطلاعات روانشناسی رشد، سن و سال آنها را حدس بزند. اطلاعات علمی و ادبی دانش‌آموز پایه هفتم دبیرستان از پایه دوازدهم یا دانشجوی دانشگاه بسیار کمتر است، اما خلأ قیّتش نه.

دانش‌آموزان پایه هفتم و هشتم و نهم دبیرستان مفید و افق‌روشن، رکورددار تولید و ساخت ترکیب‌های ادبی و هنرمندانه هستند؛ آنها بعد از این که فهمیدند قرار است در یک رقابت علمی و مسابقه ادبی با حضور دانش‌آموزان دبیرستان ماندگار امام صادق (علیه السلام) و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شرکت کنند، احساس ترس و نگرانی کردند که «ما کجا و آنها کجا؟» ولی خیلی زود، این ترس و ضعف به اعتماد به نفس و غرور مثبت تبدیل شد و درخت خلأ قیّتشان به شکوفه نشست. کیفیت و کمیت تولیدات فکری و هنری این نوجوانان بازیگوش و پراثری به هیچ وجه از جوانان متفکر و رازدار کمتر نیست. سید محمدرضا فروغی، دانش‌آموز پایه نهم دبیرستان مفید و عباس غفاری دانش‌آموز پایه هشتم دبیرستان افق‌روشن، رکورددار بیشترین ترکیب‌های زیبا هستند.

فضای مجازی (اینترنت، پیام‌رسان‌ها و...) توانسته است که خوشبختانه یا متأسفانه در کوتاه‌ترین مدت، بیشترین اطلاعات علمی، ادبی، تاریخی، سیاسی و... را به زیباترین و هنری‌ترین شکل ممکن در قالب فیلم، داستان، موسیقی، شعر، طنز، پوستر و... به نوجوانان و جوانان ما بیاموزاند و سطح اطلاعات آنها را به هم نزدیک نماید.

دوست داشتم که این طرح به طور همزمان در مدارس دخترانه قم به اجرا دربیاید تا امکان مقایسه دیدگاه نوجوانان دختر و پسر و تحلیل محتوای ترکیب‌های نوساخته فراهم شود، اما متأسفانه کسی همراهی نکرد و من به دانش‌آموزان خود اکتفا کردم. اما بعد از پایان کار و تدوین این کتاب، دوتن از همکاران خانم (سرکار خانم فاطمه مهدوی و فرزانه کریمی) به این کار علاقه نشان دادند و این تمرین خلاقانه را در کلاس‌های خود (دبیرستان دخترانه شاهد حضرت خدیجه / دبیرستان شهیدین پورمحمدی / دبیرستان دخترانه حضرت مریم) در مدت یک ماه اجرا کردند که محصول خلاقیت عالی دانش‌آموزانشان در پایان کتاب به پیوست آمده است.

در پایان از همکاران دلسوز و فداکار خود معذرت خواهی می‌کنم که همیشه از روی خیرخواهی و دلسوزی، نصیحت‌م می‌کنند که: فلانی، دست از این «پژوهش‌های سبک دانش‌آموزمحور» بردار و به «پروژه‌های سنگین دانشگاه‌پسند» روی بیاور و عمر گرامی را صرف کارهای دانش‌آموزی نکن و... در پاسخ این دلسوزی مشفقانه دوستان «همی گویم و گفته‌ام بارها»:

شقاوت یا سعادت، راه‌زندان و دبستان است

گشایی گریکی از این، شود تعطیل صدانش

اصول زندگی را در دبستان، گریاموزیم

کسادگی گیرد این بازار و آن ناز طبیبانش

اگر سلطان اقلیم وجود ما شود وجدان

شود خلوت مسیر دادگاه و رأی و زندانش

متأسفانه سوراخ دعا را گم کرده‌ایم؛ سُرنا را از سرگشادش می‌زنیم؛ برای اجرای برنامه‌های مذهبی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و جلوگیری از رواج مواد مخدر و... میلیاردها تومان بودجهٔ مملکت را در دانشگاه هزینه می‌کنیم؛ در حالی که خوب می‌دانیم ریشهٔ این مشکلات در دانشگاه نیست؛ ریشهٔ همهٔ خوبی‌ها و بدی‌های یک ملت در دبستان‌ها و دبیرستان‌های آن کشور است.

اگر یک صدم بودجه‌های کلان فرهنگی کشور که صرف مبارزه با فرهنگ غرب، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با اشرار، مبارزه با بی‌حجابی، مبارزه با فساد اخلاقی، مبارزه با رشوه و... می‌شود، صرف خرید اسباب بازی‌های فکری و کتاب‌های قصه و شعر برای مدارس ایران می‌شد، اوضاع فرهنگی و اعتقادی کشور به از این بود که هست.

دلسوزان و دردمندان زیادی در قالب کتاب و مقاله و سخنرانی به این درد اشاره کرده‌اند، ولی متأسفانه مسئولانی که دستشان باز است، گوششان بسته است و کارشناسانی که گوش و چشمشان باز است، دستشان بسته است.

میرزا حسن رشدیه از پیشگامان اصلاح و تغییر نظام آموزشی، کار خود را با عنوان معلم دوره ابتدایی آغاز کرد و حدوداً هفتاد سال در گلستان دبستانی که خود پرورش داده بود، باغبانی کرد. او نیز می‌توانست بعد از تحمل سختی‌ها و مشقات نوآوری و خلاقیت در ایران، عطای این کار را به لقایش ببخشد و باز به سراغ منبر و مسجد خود برود و راه نجف را در پیش گیرد و با لقب عالم فرزانه و... به تبریز بازگردد یا به سفارش برخی از دوستانش به سراغ دانشگاه برود و با عنوان پرطمطراق استاد دانشگاه بازنشسته شود، ولی او که مشکلات نظام تعلیم و تربیت را با گوشت و پوست خود لمس کرده بود برای پیشبرد اهداف دینی و علمی خود از دبستان شروع کرد و تا پایان عمر در سنگردبستان خدمت کرد. خدایش پیامرزد.

برنامه‌های پرورشی و تربیتی نظام آموزش و پرورش در مدارس و همچنین کتاب‌های درسی به هزار و یک دلیل درست و نادرست، جذابیت و زیبایی لازم جهت جذب کودکان و نوجوانان را ندارد.

دانش‌آموزان از فرایند تحصیل، تدریس، تعلیم، تأدیب، تفهیم، تکریم، تفریح و... در مدرسه لذت نمی‌برند و...

به سفارش حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی «شرح این هجران و این خون جگر» را این زمان رها می‌کنم تا وقت دیگر...

فراهم آمدن این مجموعه را مدیون لطف و محبت این دوستان عزیز هستم: علی دهباشی، علی اکبر زین‌العابدینی، علیرضا سنگتراشان، مسعود زمانی

قمی، حسن ذوالفقاری، قدرت الله آذرینا، حسین محمدی حسینی نژاد، ابوالفضل مرادی، علی ندیمی، علیرضا علیاری، محمد ابراهیم خسرو بگی، مهدی پور رسول، جواد علی مددی، حمیدرضا افضلی، غلامعلی گرای، امیر لنگرودی، فیروز ولیزاده، فاطمه مهدوی، فرزانه کریمی.

هیچ اگر سایه پذیرد، منم آن سایه هیچ

سید رضا باقریان موحد

۱۳۹۸/۱۲/۱۰

کاربردهای فرهنگ لغت خودمانی

هنر درست نگاه کردن

اولین کاربرد و فایده مهارت فرهنگ لغت خودمانی این است که با اجرای این تمرین، نخستین گام در قلمرو درست نگاه کردن برداشته می‌شود؛ ما فکر می‌کنیم که نگاه کردن و نفس کشیدن و غذا خوردن و دیگر رفتارهای غریزی و عادی، احتیاج به آموزش و تربیت ندارد؛ خدای بزرگ، انجام این فعالیت‌های روزمره را در وجود ما نهادینه کرده و نیازی نیست که به تربیت و پرورش آنها بپردازیم؛ اما به گفته استاد رضا بابایی:

از نفس کشیدن تا سفر کردن تا مهرورزی به آموزش نیاز دارد. بخشی از سلامت روحی و جسمی ما در گرو تنفس صحیح است. آیا باید در جوانی یا میانسالی یا حتی پیری، گذرمان به یوگا بیفتد تا بفهمیم تنفس انواعی دارد و شکل صحیح آن چگونه است و چقدر مهم است؟ به ما حتی نگاه کردن را نیاموختند. هیچ چیز به اندازه نگاه، نیاز به آموزش و تربیت ندارد. کسی که بلد است چطور ببیند در دنیایی دیگر زندگی می‌کند؛ دنیایی که بویی از آن به مشام بینندگان ناشی نرسیده است.

هزار کیلومتر از شهر به شهری دیگر می‌رویم و وقتی به خانه برمی‌گردیم چند خط نمی‌توانیم درباره آنچه دیده‌ایم بنویسیم؛ چرا؟ چون در واقع ندیده‌ایم. همه چیز از جلو چشم ما گذشته است مانند نسیمی که بر آه‌ن وزیده است. (فرزند قلم، ص ۳۰)

اگر در خانه یا مدرسه یاد گرفته بودیم که چطور نگاه کنیم، چطور بشنویم و چطور بیندیشیم، انسانی دیگر بودیم. انسانی که نمی‌تواند از چشم و گوش و زبان خود درست استفاده کند، پا از غار بدویت بیرون نگذاشته است. (همان، ص ۳۱)

دانش آموز در این تمرین به زندگی و طبیعت اطراف خود با دقت می‌نگرد و می‌اندیشد که آنچه را که خوب دیده، حالا چگونه بر روی کاغذ ثبت کند؟ و در مرحله بعد، آنچه را که خوب دیده و ثبت کرده، چگونه با بهره گرفتن از آرایه‌های ادبی به بهترین شکل ممکن به دیگران ارائه نماید؟

معجزه دیگری که در کلاس نگارش رخ می‌دهد و بسیار قابل تأمل و تحقیق است، این است که دانش آموز برای اولین بار با نگاه‌های متفاوت حداقل سی نفر دیگر آشنا می‌شود و نگاه خود را با آنها می‌سنجد و با ارزشیابی و آسیب‌شناسی نگاه خودش نسبت به دیگر همکلاسی‌هایش به فکر فرومی‌رود.

بعد از این تمرین، آب، دیگر همان آب قبلی نیست؛ آب را خوب دیده و خوب توصیف کرده و از این به بعد هنگام نوشتن به یاد ترکیب‌های خلاقانه خودش یا دوستانش می‌افتد و آن را متفاوت‌تر از قبل می‌نوشد.

چشیدن لذت نویسندگی

دومین کاربرد و فایده مهارت فرهنگ لغت خودمانی این است که با اجرای این تمرین، نخستین گام در قلمرو نویسندگی برداشته می‌شود؛ برای اجرای این فن در مرحله اول نیازی به دانستن دانش‌های ادبی و اطلاعات علمی گسترده نیست.

همه ما صاحب نظر و فکر هستیم؛ کافی است که با بهره گرفتن از قوه تخیل و چاشنی ذوق، واژه‌های مورد نظر را معنی کنیم؛ البته در مراحل پیشرفته‌تر، بهره گرفتن از دانش‌های ادبی و اطلاعات هنری کمک فراوانی می‌کند.

برای اجرای این مهارت، نیازی به جمله‌سازی و عبارت‌پردازی‌های هنرمندانه نیست؛ دانش‌آموزان مقطع ابتدایی هم می‌توانند به خوبی این مهارت را بیاموزند و اجرا کنند. البته واژه‌سازی آنها ویژگی‌های خاص سنی خود را دارد که

با دانش‌آموزان دوره دبیرستان متفاوت است؛ این تفاوت را نمی‌توان نشانه ضعف یا بی‌ارزشی ترکیب‌سازی آنها دانست.

به عنوان مثال تفاوت دانش‌آموزان ابتدایی و دبیرستانی را در تعریف خورشید به خوبی می‌توان حس کرد:

دانش‌آموزان دبستانی: خورشید یعنی... آب پرتغال نارنجی / آتش مهربان / پاک‌کن شب / پتوی گرم / توپ طلایی و...

دانش‌آموزان دبیرستانی: خورشید یعنی... امام آسمان / بوسه گرم مشرقی / علامه روشن‌گر / روشنفکر آسمانی / طبیب دردهای زمینیان / غذا حاضرکن و... دانش‌آموزان انجام این تمرین لذت می‌برد؛ زیرا اولاً نیازی به سیاه کردن کاغذ و نوشتن یک متن حداقل ده خطی ندارد؛ ثانیاً خود را صاحب رأی و نظرمی‌بیند و احساس غرور می‌کند که رأی و نظرش برای دیگران مهم و محترم است؛ پس تلاش می‌کند که برای اثبات ذوق و هنرش به بهترین شکل ممکن اقدام کند.

پس از این اعتمادسازی و لذت‌آفرینی می‌توان دست او را گرفت و وارد دنیای پررمز و راز نویسندگی کرد؛ او هم مشتاقانه و با اعتماد به نفس بالا در این قلمرو گام برمی‌دارد.

آشنایی با گنجینه لغتنامه‌های فارسی

دانش‌آموزان با انجام این تمرین ادبی با گنجینه فرهنگ‌ها و لغتنامه‌های زبان و ادبیات فارسی از آغاز تا امروز آشنا می‌شوند و سختی کار این نویسندگان را به خوبی لمس می‌کنند.

ابتدا گزارش مختصری از فرهنگ‌نویسی در ادبیات فارسی از آغاز تا امروز ارائه می‌کنم و برخی از دانش‌آموزان خوش ذوق در هر جلسه درباره مهم‌ترین لغتنامه‌های فارسی، کنفرانس ارائه می‌نمایند.

آشنایی با فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و تاریخ پرافتخار آن یک جلسه درسی طول می‌کشد؛ به کمک دانش‌آموزان به معرفی اعضای فرهنگستان و همچنین دستاوردهای علمی آن می‌پردازم و در پایان به سؤالات و شبهات آنها درباره فرهنگستان تا حدودی پاسخ می‌دهم.

دانش‌آموزان بعد از لمس سختی لغتنامه‌نویسی به لذت لغتنامه‌نویسی می‌رسند و مزه آن را در حد و قواره ذوق و فکر خود می‌چشند. بعد از اجرای این تمرین سخت و فراگیری این مهارت مهم، به کلمه و واژه به عنوان یک شخصیت زنده و قابل احترام می‌نگرند.

دیگر به سادگی از کنار واژه‌ها نمی‌گذرند؛ به ابعاد مختلف معنایی‌اش توجه می‌کنند و خود نیز به گسترش دایره معنی آن واژه کمک می‌نمایند؛ به سختی کار فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی می‌برند و به سادگی، اسیر شبهات و طنزهای مخالفان فرهنگستان نمی‌شوند.

پردازش اطلاعات ادبی و علمی

دانش‌آموزان در طول سال‌های تحصیل به گردآوری صدها اطلاعات ادبی و علمی می‌پردازند؛ اصول و قواعد دستور زبان فارسی را می‌آموزند؛ با مهم‌ترین آرایه‌های ادبی همچون تشبیه و استعاره آشنا می‌شوند.

این آرایه‌ها را در شاهد مثال‌های کتاب از اشعار سعدی و مولوی و حافظ حفظ می‌کنند و «باتلاقِ سؤالات تستی کنکور» را با موفقیت پشت سر می‌گذارند و نمره عالی می‌گیرند و کارنامه گردآوری اطلاعات خود را به عنوان سند افتخار بالا می‌برند؛ همه این کارها خوب و ضروری است، اما پله اول تعلیم محسوب می‌شود؛ پله دوم که مهم‌تر است، پردازش و کاربردی کردن اطلاعات است که متأسفانه در نظام تعلیم و تربیت ما جایگاهی ندارد.

دانش آموز، تعریف تشبیه و استعاره را می‌آموزد و زیباترین مثال‌های آن را هم حفظ می‌کند، اما یکبار دست به تولید تشبیه یا استعاره نمی‌زند؛ یعنی نه کسی از او می‌خواهد و نه جرات این کار را در خود می‌بیند.

دانش آموز در تمرین فرهنگ لغت خودمانی به این باور و جرات می‌رسد که می‌تواند با بهره گرفتن از اطلاعات ادبی خود از «گرداب گردآوری اطلاعات» به «پردیس پردازش اطلاعات» صعود کند و از تحصیل خود لذت ببرد؛ به عنوان مثال حاصل تفکرات و تخیلات دانش‌آموزان درباره نفت در قالب استعاره بسیار خواندنی و جالب است:

نفت یعنی...

آتشفشان سیاه / آتش افروز آتش جنگ‌های نرم و سخت / آلی مواد عالی مقام / ابر سیاه سرمایه‌دار / ارباب بشکه‌ها / ارثیه اجدادی / از دماغ دریا افتاده / از فرش به عرش رساننده / امپراتور اقتصاد / امضا کننده احکام پادشاهی / باآبروترین بی‌آبرو / بانک سیاه سیاستمداران / بُت سیاه پرستیدنی / بدبوترین معشوقه تاریخ / برادر سیاه دلار سبز / بی‌قیافه پولدار / پادشاه خلیج فارس / پادشاه مایعات / پلنگ سیاه خاورمیانه / پیرترین زندانی زمین / تنها سیاه ثروتمند / تنها سیاه جذاب / ثروتمند جذاب / ثروتمند روسیاه / چای سیاه پرطرفدار / خورشید سیاه / دیوار کاذب / زالوی سیاه برای درمان اقتصاد / سیاه جهانگرد / سیاه خواستنی / سیاه روسفید / شراب سیاه سیاست / شکلات سیاه اقتصاد / طلای سیاه سلطه‌گر / عروس سیاهپوش دریا / عسل سیاه عسلویه / عقرب سیاه جهان اقتصاد / مربای سیاه در سفره اقتصاد و...

دانش‌آموزان شاید آرایه‌هایی (استعاره، کنایه و...) را که برای امتحان حفظ کرده‌اند بعد از مدتی فراموش کنند، ولی آرایه‌هایی را که خودشان تولید کرده‌اند، هرگز.

اگر پژوهشگر نوجوانی، صور خیال و آرایه‌های ادبی این کتاب را استخراج کند و ترکیب‌ها را براساس آرایه‌ها تدوین نماید به راحتی می‌تواند کتاب آموزش معانی و بیان یا آموزش آرایه‌های ادبی با استناد به شاهد مثال‌های جدید و غیرتکراری فراهم کند.

استعاره، تشبیه، کنایه، واج‌آرایی، تضاد، متناقض‌نما از جمله مهمترین آرایه‌های ادبی است که در سراسر این کتاب موج می‌زند.

عنوان‌گذاری‌های هنرمندانه برای متن

یکی از مهم‌ترین موارد کاربرد فرهنگ لغت خودمانی در انتخاب عنوان برای متن (انشا / مقاله / کتاب / سخنرانی و...) است؛ وقتی عنوان متن، زیبا و جذاب و براساس یک مهارت ادبی باشد، انگیزه برای خواندن مطلب بیشتر می‌شود و خواننده با اشتیاق به سراغ مطلب مورد نظر می‌رود.

به عنوان مثال وقتی می‌خواهیم درباره وجدان، انشا یا مقاله‌ای بنویسیم یا سخنرانی داشته باشیم، وقتی عنوان ساده یا غیرهنری انتخاب کنیم، مانند وجدان چیست؟ فواید وجدان یا اهمیت وجدان و... خواننده یا مخاطب، نشانی از ذوق و هنرنمایی در عنوان ما نمی‌بیند و برای خواندن مطلب، رغبتی از خود نشان نمی‌دهد.

اگر بر اساس مهارت فرهنگ لغت خودمانی، ترکیب زیبا و هنرمندانه‌ای درباره وجدان بسازیم و سردر «شهر انشا» و «باغ مقاله» و «گلزار کتاب» خود بگذاریم، خواننده یا بیننده، وسوسه می‌شود که اصل مقاله را بخواند تا به کشف معمای عنوان مقاله برسد؛ برخی از عنوان‌های دانش‌آموزان برای وجدان به این شرح است:

وجدان یعنی... اگر دیدی اش، سلام ما را به او برسان / ای کاش بین همه مساوی تقسیم می‌شد / بینای بی زبان / پیامبر درون / تا اطلاع بعدی، تعطیل / چراغ قرمزی که همه از آن عبور می‌کنند / سارق لذت گناه / معلم کم‌زور و...

تمرین خودشناسی، طبیعت‌شناسی، خداشناسی

رسیدن به این موفقیت‌های ادبی و علمی، جای شادی و شکرگزاری دارد، اما از اینها مهم‌تر، رسیدن به اهداف اخلاقی و انسانی است که به طور نامحسوس و هنرمندانه اتفاق می‌افتد؛ سعی کرده‌ام که هیچ‌گاه دانش‌آموزان و دانشجویان را نصیحت و موعظه نکنم، اما در قالب تمرین‌های نگارشی به طور غیرمستقیم و هنرمندانه به نشر ارزش‌های انسانی و اخلاقی پردازم و این‌گونه به نهادینه کردن این ارزش‌ها در قلب این نوجوانان اقدام نمایم.

دانش‌آموزان در مهارت فرهنگ لغت خودمانی ابتدا به خودشناسی می‌پردازند یعنی به کاری دست می‌زنند که تاکنون انجام نداده‌اند؛ درباره اشیا و موضوعات اطرافشان حساس می‌شوند و به فکر فرومی‌روند و آنها را با ذوق و سبک خاص خود توصیف می‌کنند؛ در اینجا خودشناسی اخلاقی و عرفانی مد نظر نیست که سطح عالی خودشناسی محسوب می‌شود؛ خودشناسی ادبی می‌تواند زمینه‌ساز آن کار بزرگ باشد.

به عنوان مثال بعد از ترکیب سازی برای نان، برنج، ماست، پنیر و... می گویند: این برای اولین بار است که به خوراک خود فکر می کنیم؛ برای خوردن نان، برنج، نمک، شکر، چای و ده ها خوراکی خوشمزه دیگر، لحظه شماری می کردیم؛ اما یکبار هم فکر نکردیم که چگونه ساخته شده اند؟ چه فواید و خواصی دارند؟ چه مضراتی دارند؟ دیدگاه دین و قرآن درباره این خوراکی ها چیست؟ و ده ها سؤال دیگر که هیچ وقت به آنها فکر نکرده و نمی کنیم.

این موضوع، ذهن و زبان شان را درگیر می کند؛ به قول خودشان بعد از این تمرین برای اولین بار هنگام جویدن دانه های برنج، لحظه ای تأمل می کنند و همان طور که دانه های آن را فرومی دهند به فکر هم فرومی روند؛ آیا این نحوه پخت و یا خوردن غذاها بدون در نظر گرفتن طبع سرد و گرمشان درست است؟ آیا فرهنگ پخت و پز ما ایرانی ها، علمی و کارشناسانه است؟ دلیل این بیماری های روحی و جسمی چیست؟ چرا ترکیه از بزرگ ترین تولیدکنندگان آدامس است و ایران از بزرگ ترین واردکنندگان آن؟ غذاهای صنعتی چه فواید و مضراتی دارند؟

به سخن دیگر، لذت خوردن بدون فکر از آنها می گیرم؛ قبلاً اشتیاق فراوان لقمه های برنج را می جویدند و می بلعیدند؛ اما الان در هر لقمه ای که می خورند، ده ها سؤال و نکته به ذهن شان می آید و آنها را به خود مشغول می کند؛ نوع لذت بردنشان از خوردن تغییر کرده است.

دانش آموزان بعد از این خودشناسی به ظاهر ساده، اما سخت و شیرین به توجه و دقت در آراء و نظرات همکلاسی های خود می پردازند؛ دیدگاه های همدیگر را به دقت می شنوند و نقد و ارزیابی می کنند و به این وسیله همدیگر را بهتر می شناسند؛ در کلاس، این گونه جملات را بسیار شنیده ام که: چه جالب! من و تو چقدر با هم دیدگاه های مشترک داشتیم و خبر نداشتیم؛ من و تو سال ها همکلاسی یا هم محله ای بودیم، اما هیچ وقت همدیگر را این جوری نشناخته بودیم؛ قبلاً فکر می کردم که با فلانی خیلی هم رأی و نظر هستم، الان فهمیدم که شناختم ظاهری بوده و ما دو نفر از نظر باطنی خیلی از هم دوریم یا...

شنیدن این سخنان، بسیار شیرین است، زیرا احساس می کنم که به خوبی توانسته ام به جویندگان غذا هم ماهی بدهم و هم مهارت ماهیگیری را بیاموزم.

نکته مهم دیگر که بعد از آزمون و خطاهای زیاد کشف کردم، این است که با طرح موضوعات به ظاهر ساده و پیش پا افتاده مانند نان و پنیر و موبایل و... هم می‌توان برداشت‌های متعالی و معنوی داشت و به طور غیرمستقیم و هنرمندانه به اهداف والای اخلاقی پرداخت؛ برای بیان موضوعات و مفاهیم والای اخلاقی و معنوی احتیاج نیست که حتماً این موضوعات والا را به شکل شعاری و کلیشه‌ای مطرح کرد.

دانش‌آموزان به دلیل بسیار شنیدن شعارهای اخلاقی و مذهبی که از در و دیوار شهر و مدرسه می‌بارد، نسبت به این موضوعات بی‌تفاوت شده و مطالبی که درباره این مفاهیم می‌نویسند، اولاً جنبه شعاری و کلیشه‌ای پیدا کرده و ثانیاً نظر واقعی و دیدگاه حقیقی آنها نیست.